حتی در فهرست ۱۵۶ کشور هم قرار نداشت. در اینجا توجه به این نکته مهم است که احساس امنیت در هنگام راه رفتن به تنهایی در شب یکی از ۹ ویژگی برای ارزیابی ایمنی زنان است. زنان در بنگلادش حتی در خانه‌های خود احساس امنیت نمی‌کنند، همانطور که موارد بالا نشان می‌دهد.»

اختر می‌گوید بنگلادش بر اساس شاخص زنان، صلح و امنیت (WPS) که میزان رفاه زنان (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی) را اندازه‌گیری و رتبه‌بندی می‌کند هم جایگاه خوبی ندارد: «درصد کرسی‌های قانونگذاری در اختیار زنان در هر کشوری نشان‌دهنده توانمندی سیاسی زنان است. متأسفانه در طول ۵۰ سال گذشته، زنان تنها ۷۳ کرسی از ۳۵۰ کرسی را در اختیار داشتند.»

اما جنبش زنان خواستار رقابت واقعی میان نامزدهای زن احزاب مختلف و اعضای مستقل است. اختر در این باره می‌گوید: «رد بازنمایی مردانه-پدرسالارانه قدرت در چهره زنان بیولوژیک ضروری است. اگرچه در حال حاضر، درصد نمایندگی زنان در مجلس ۲۰ درصد از کل کرسی‌ها است، نمایندگان زن مجلس اغلب اظهارات اعضای مرد حزب خود را طوطی‌وار تکرار می‌کنند. نمایندگان زن در مجلس در مورد بسیاری از مسائل خشونت علیه زنان سکوت کردند، همانطور که در مورد رفتار نادرست مرادحسن در مورد زنان سکوت کردند. آیا آنها در مورد اعمال خشونت‌آمیز و موارد تجاوز جنسی که عاملان آن متعلق به حزب در قدرت‌اند صحبت خواهند کرد؟ کسانی که مستقیماً انتخاب می‌شوند احساس نمی‌کنند که مسئولیت اضافی در قبال زنان دارند، اگرچه حداقل ۵۰ درصد رای‌دهندگان زن به آنها رای داده‌اند.»

به گفته اختر، در ادبیات توسعه ادعا شده است که بنگلادش در برابری جنسیتی با پیوستن زنان به بسیاری از مشاغل پیشرفت زیادی کرده است: «زنان به بازار کشانده شده‌اند تا بهره‌وری خود را به عنوان «کار ارزان» بفروشند. آنچه فعالان زن را شگفت‌زده می‌کند، نقش آژانس‌های توسعه دوجانبه و چندجانبه در «توانمندسازی» زنان است. لفاظی‌های توسعه‌گرایانه مردمی به‌طور سیستماتیک تقاضای طولانی‌مدت جنبش زنان برای نمایندگی مستقیم را نادیده گرفته است. می‌توانیم ببینیم که لفاظی‌های توسعه مبتنی بر ایدئولوژی نئولیبرال پدرسالارانه است. توانمندسازی زنان برای آنها به معنای بیرون کشیدن آنها از حوزه مردسالارانه خانواده به سمت مردسالاری بازار است که در آن زنان یا نیروی کار ارزان‌اند یا به نهادهای مردسالار خدمت می‌کنند.»

او می‌گوید: «زنان در سازمان‌های مجری قانون، بوروکراسی، سازمان‌های بزرگ، ورزش و همه جا حضور دارند اما حق نمایندگی مستقیم به‌طور سیستماتیک از آنها سلب شده است. این واقعیت تلخ را به این واقعیت اضافه کنید که زنان همچنان در خانه و حوزه عمومی احساس درماندگی و تهدید می‌کنند.» به گفته اختر، «غیردوستانه» روشی نرم برای گفتن اینکه زنان چگونه در بنگلادش زندگی می‌کنند است: «خود زنان باید بدانند که فقدان ایمنی، ترس غیرقابل جبران و احساس دائمی فقدان اطمینان، چیزی را تشکیل می‌دهد که به‌عنوان مردسالاری شناخته می‌شود. علاوه بر این، ما در کشوری زندگی می‌کنیم که در آن عاملیت سیاسی زنان هم توسط دولت ما و هم از طرف شرکای توسعه انکار شده است. زنان در دنیایی غیردوستانه غرق شده‌اند.»

## افزایش خشونت مبتنی بر جنسیت

طبق گزارش جدید (ASK)،[2] حداقل ۴۷۶ زن در شش ماهه اول سال ۲۰۲۲ در این کشور مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند. از این میان، ۲۴ زن پس از تجاوز کشته شده‌اند و شش زن نیز بر اثر خودکشی جان خود را از دست داده‌اند.

آنطور که thedailystar نوشته، سرکوب سیاسی تنها چالشی نیست که زنان در بنگلادش با آن روبرو هستند. آنها همچنین باید هنجارهای ریشه‌دار اجتماعی و فرهنگی، نگرش‌های مردسالارانه و تبعیض‌های سیستمی را تحمل کنند که منجر به خشونت جنسی و جنسیتی گسترده می‌شود. حتی با وجود اینکه آنها از حمایت‌های قانون اساسی خاصی برخوردارند، این حفاظت‌ها عمدتاً به دلیل تعصب، کمبود منابع و فساد در سیستم عدالت کیفری اجرانشده باقی می‌مانند. ادعاهای موثق خشونت خانگی به‌طور مرتب رد می‌شود چون صرفاً یک «مسئله خانوادگی» نامیده می‌شوند.

براساس گزارش‌ها، در مجموع ۲۲۸ زن در فاصله ژانویه تا ژوئن امسال قربانی خشونت خانگی شده‌اند. از این تعداد ۱۴۰ نفر کشته و ۴۲ نفر بر اثر خودکشی جان خود را از دست داده‌اند. ASK دریافته که مهریه یکی از دلایل اصلی خشونت خانگی است و تعداد مرگ و میرها و خودکشی‌های مربوط به جهیزیه بسیار نگران‌کننده است.

این افشاگری‌ها به این واقعیت اشاره دارد که تمام تلاش‌های گروه‌های حقوق بشر، سازمان‌های کمک‌های حقوقی و رسانه‌ها برای مبارزه با خشونت علیه زنان و کودکان در بنگلادش به سختی نتیجه‌ای در برداشته است و اگر دولت حاضر نباشد مسئولیت تامین امنیت نیمی از جمعیت خود را بر عهده بگیرد، چگونه خواهد شد؟

در موارد تجاوز جنسی، هنوز بازماندگان باید از انگ اجتماعی رنج ببرند، درحالی که مرتکبین اغلب آزادانه در اطراف پرسه می‌زنند و قربانیان و خانواده‌های آنها را بیشتر می‌ترسانند. وقتی صحبت از جنبه قانونی آن می‌شود، تعدادی خلأ وجود دارد که بازماندگان را از تشکیل پرونده‌های تجاوز جنسی و پیگیری عدالت منصرف می‌کند. تعریف قدیمی تجاوز جنسی در قوانین بنگلادش یکی از بزرگترین نمونه‌های آن است. اگرچه «آزمایش دو انگشت» بحث‌برانگیز سرانجام در سال ۲۰۱۸ توسط دادگاه عالی ممنوع شد، اما هنوز اصلاحات گسترده‌تری مورد نیاز است تا قانون بتواند عدالت را در مورد بازماندگان تجاوز اجرا کند.

**در طول سال ۲۰۲۱، ۱۳۴۸ مورد خشونت علیه زنان رخ داد که از این تعداد ۷۳۴ مورد تجاوز جنسی و ۱۳۶ یا ۱۰ درصد شکنجه فیزیکی بوده است**

**سرکوب سیاسی تنها چالشی نیست که زنان در بنگلادش با آن روبرو هستند. آنها همچنین باید هنجارهای ریشه‌دار اجتماعی و فرهنگی، نگرش‌های مردسالارانه و تبعیض‌های سیستمی را تحمل کنند که منجر به خشونت جنسی و جنسیتی گسترده می‌شود**

طبق این گزارش، اگر مردم نتوانند ذهنیت خود را نسبت به قربانیان چنین جنایت فجیعی تغییر دهند، اصلاحات لازم در قوانین موجود اتفاق نیفتند و مقامات انتظامی و جامعه در کل نسبت به موضوع حساس نشوند، متجاوزان لذت می‌برند و اوضاع برای زنان تغییر نخواهد کرد و ممکن است در سال‌های آینده بنگلادش شاهد تعداد بالای موارد تجاوز جنسی باشد.

همچنین یکی از استادان گروه مطالعات زنان و جنسیت دانشگاه داکا به TBSnews گفته: «مطالعه ما نشان داد که ۶۱/۶۵ درصد از پسران زیر ۱۸ سال پورنوگرافی کودکان را مشاهده می‌کنند. علاوه بر این، ۵۶/۶۵ درصد معتقدند که مردان باید در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی حرف آخر را بزنند. ۵۷/۴۵ درصد به استفاده از زور برای برآوردن خواسته‌های جنسی خود فکر کرده‌اند و ۶۶/۲ درصد موافقند که زنان نباید مکرراً خانه‌های خود را ترک کنند.» به گفته او برای بسیاری از نوجوانان پسر، پورنوگرافی تنها منبع دانش در مورد سلامت باروری است: «در نتیجه، میزان خشونت علیه زنان و تجاوز جنسی در جامعه رو به افزایش است.»

«اسدالزمان‌نور»، وزیر سابق فرهنگ هم به این خبرگزاری گفته که دختر و پسر باید از کودکی با هم آموزش ببینند. در غیر این صورت، پسران با رفتن به دانشگاه و تحصیل با هم، زنان را به عنوان ابژه جنسی می‌بینند نه به عنوان یک انسان: «معلمان باید مطالبی را که برای نوجوانان مشخص شده است در کتاب‌های درسی بگنجانند و باید نمایش‌ها و سینماهای متناسب با گروه سنی ایجاد شود.»

تاسنیا احمد، مدیر برنامه SERAC بنگلادش[3] هم می‌گوید مواجهه مستقیم با خشونت جنسیتی در مدرسه می‌تواند به صورت اعمال جنسی اجباری در ازای نمره عالی، آزار جنسی، قلدری جنسی و آزار و اذیت در راه مدرسه باشد: «مدارس باید پناهگاه‌های امنی برای دختران باشد، ازدواج زودهنگام و بارداری را منع و از آنها در برابر آزار جنسی محافظت کند.»

همچنین استثمار جنسی تجاری از کودکان (CSEC) در بنگلادش به طور گسترده به‌عنوان یک مشکل مهم شناخته می‌شود که ناشی از عواملی مانند فقر، هنجارهای فرهنگی، محرومیت از تحصیل، مهاجرت و تغییرات آب و هوایی است. در سطح جهانی، فقدان داده‌های قوی در مورد این موضوع، تدوین سیاست‌ها و مداخلات موثر را دشوار کرده است.

## بدن من، حق من؛ از ۱۹۹۰ تا کنون

اما زنان بنگلادشی سال‌هاست که درباره حقوق‌شان حرف می‌زنند و فعالیت می‌کنند. آنطور که نویسندگان «اعضای کوتا»[4] نوشته‌اند، بیش از سه دهه پیش، در سال ۱۹۸۸، ۸ مارس برای اولین بار در بنگلادش به عنوان روز جهانی زن برگزار شد و جنبش زنان همواره ریشه عمیقی در این کشور داشته است. این زنان همواره در راه مبارزه با خشونت علیه زنان، مبارزه برای حقوق باروری، تلاش برای توانمندسازی سیاسی و اقتصادی و تضمین نقش‌ها بوده‌اند. این جنبش در مبارزه برای احقاق حقوق قانونی، به چالش کشیدن گفتمان موجود، افزایش نمایندگی زنان، فشار برای تغییر سیاست‌ها و مهمتر از همه، به چالش کشیدن ذهنیت‌ها در یک جامعه مردسالار سرکوبگر شرکت داشته است.

اما در دهه ۱۹۹۰، شکل جدیدی از سازمان‌دهی در میان سازمان‌های حقوق زنان - در نقطه تلاقی کنش‌گری، پژوهش و حمایت - ظاهر شد و آن هم تمرکز بر خشونت فیزیکی و جنسی زنان در حوزه‌های عمومی و خصوصی بود. یکی از گروه‌های رادیکال‌تر در این دوران، Naripokkho بود؛ مجموعه‌ای از فعالان حقوق زنان که مأموریت داشتند کار خود را بر تجربیات شخصی خود به عنوان زن متمرکز کنند. «نارپیوخو» نقش بسزایی در موضوعیت بخشیدن به خشونت علیه زنان به‌عنوان عامل تعیین‌کننده برای جایگاه آنها در جامعه و آغاز گفت‌وگوی ملی پیرامون حقوق بدن زنان از جمله حقوق جنسی ایفا کرد. یکی از جنجالی‌ترین کمپین‌های آن‌ها تحت عنوان «بدن من، تصمیم من» بود. هدف این عنوان، تلاش برای حق زنان برای تصمیم‌گیری در مورد بدن‌شان بود. امروز، «نارپیوخو»، تمرکز خود را به مسائل مربوط به جنسیت و مراقبت‌های بهداشتی، محیط زیست و توانمندسازی سیاسی گسترش داده است.

شکل رایج خشونت علیه زنان در آن زمان اسیدپاشی بود. «نسرین حوک»، یکی از اعضای نارپیوخو، یک کمپین ملی علیه خشونت اسیدپاشی را تأسیس و رهبری کرد و این به نوبه خود منجر به تشکیل بنیاد نجات‌یافتگان از اسید شد. نسرین حوک از طریق کار خود، فراتر از ارائه حمایت‌های پزشکی و قانونی به سوی بازماندگان رفت و به ادغام مجدد بازماندگان اسید در جامعه از طریق آموزش، اشتغال و تعامل اجتماعی کمک کرد. در واقع، حمایت بی‌امان او به کاهش شدید تعداد اسیدپاشی‌ها علیه زنان در بنگلادش منجر شد.

از طرفی، سال ۲۰۰۳ تاکنون، دوره گذار اقتصادی برای جامعه وابسته به کشاورزی بنگلادش بوده و فرصت‌های اقتصادی بیشتر هم زمینه‌ای برای استثمار نیروی کار، به‌ویژه زنان ایجاد کرده است. «نظما آکتر»، بنیانگذار و مدیر اجرایی بنیاد awaj،[5] بیش از ۳۲ سال است که برای بهبود حقوق کارگران در بخش پوشاک در بنگلادش مبارزه کرده است. او که از سن ۱۱ سالگی در کارخانه‌های پوشاک کار می‌کرد، شاهد ماهیت توهین‌آمیز کارفرمایان مرد نسبت به کارگران زن بود. اتحادیه‌های کارگری که قرار بود راه‌حل‌هایی ارائه دهند، با مسائل تبعیض‌های جنسیتی خود درگیر بودند، بنابراین او در نهایت تصمیم گرفت اتحادیه خود را تشکیل دهد. بنیاد آواج که در سال ۲۰۰۳ تأسیس شد، با چشم‌انداز کار شایسته، زندگی با عزت و برابری جنسیتی در بخش‌های صنعتی بنگلادش هدایت می‌شود. این امر آگاهی در مورد مبارزات کارگران پوشاک را افزایش، آنها را در مورد حقوق خود تحت چارچوب‌های قانونی ملی و بین‌المللی آموزش و ظرفیت آنها را برای رهبری و مذاکره برای شرایط کاری بهتر ایجاد می‌کند. ۵۲ کمیته ضدآزار و اذیت با کمک آنها در کارخانه‌ها در بخش‌های داکا و چاتوگرام ایجاد شده است. به عنوان یک سازمان تحت رهبری زنان، رسیدگی به خشونت مبتنی بر جنسیت یکی از اولویت‌های اصلی آواج است. بدین ترتیب، بنیاد آواج، آرمان‌های جنبش زنان را وارد بخش مهمی کرده است.

**پی‌نوشت‌ها:**

۱-یک سازمان غیردولتی مستقر در داکا، پایتخت بنگلادش است. اهداف این سازمان که در سال ۱۹۸۴ تأسیس شد، شامل تلاش برای برابری و عدالت، ارتقای حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی است. این سازمان توسط گروهی از فعالان برای حمایت از جنبش مردمی برای تحول اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تشکیل شد.

۲-یک سازمان ملی حقوق بشری است که حمایت‌های حقوقی و اجتماعی برای زنان، کودکان کار و کارگران ارائه می‌دهد. هدف آن ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر برابری، عدالت اجتماعی و جنسیتی و حاکمیت قانون و به دنبال ایجاد محیطی برای پاسخگویی و شفافیت نهادهای حاکمیتی است.

۳-سازمانی غیردولتی که برای اجرای شیوه‌های اثبات‌شده‌ای که تاثیر چالش‌های سلامت رفتاری را در طول عمر کاهش می‌دهد، فعالیت می‌کند.

۴-یک سازمان تحت رهبری جوانان که با کار در تقاطع آموزش، پژوهش، سیاست و هنر، با فرهنگ خشونت مبتنی بر جنسیت مقابله می‌کند.

۵-بنیادی که در سال ۲۰۰۳ به دلیل نیاز فوری به حمایت از حقوق کارگران در بخش پوشاک آماده بنگلادش تاسیس شد. چشم‌انداز این بنیاد کار شایسته، زندگی آبرومندانه و برابری جنسیتی در بخش‌های صنعتی بنگلادش است.

شرکت برق منطقه‌ای آذربایجان

## آگهی مناقصه عمومی

نوبت دوم

شرکت برق منطقه‌ای آذربایجان در نظر دارد تامین کالا، تجهیزات و مصالح و نصب و راه‌اندازی و افزایش ظرفیت پست‌های صوفیان و قوشچی به‌صورت دومرحله‌ای با ارزیابی کیفی را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به شماره فراخوان شماره ۲۰۰۳۰۰۱۱۱۹۰۰۰۰۳۲ به آدرس الکترونیکی www.setadiran.ir برگزار نماید.

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۸/۱۵۴/۰۰۰/۰۰۰ به‌حروف (هشت میلیارد و صد پنجاه و چهار میلیون ریال) به‌صورت ضمانتنامه بانکی و یا واریز نقدی به‌حساب شبا به شماره IR110100004001106407144480 نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی به نام شرکت برق منطقه‌ای آذربایجان

بهای فروش اسناد مناقصه: ۲۰۰/۰۰۰ ریال (دویست هزارریال)

| جدول زمانی انجام مناقصه | |
|---|---|
| شروع فروش اسناد مناقصه | از ساعت ۸ مورخ ۱۴۰۳/۵/۲۷ |
| مهلت دریافت اسناد مناقصه | تا ساعت ۱۹ مورخ ۱۴۰۳/۵/۳۱ |
| مهلت بارگذاری پیشنهادات سامانه ستاد ایران | تا ساعت ۹ مورخ ۱۴۰۳/۶/۱۷ |
| بازگشایی پاکات | ساعت ۱۰ مورخ ۱۴۰۳/۶/۱۷ |

جهت اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۴۱۹۳۴-۰۲۱

جهت اخذ اطلاعات بیشتر به سایت‌های زیر مراجعه و یا با شماره تلفن ۳۲۳۰ ۳۱۰۷ -۰۴۱ تماس حاصل فرمایند.

www.setadiran.ir www.azrec.co.ir www.lets.mporg.ir www.tavanir.org.ir

شناسه آگهی: ۱۷۶۶۰۰۵

روابط عمومی شرکت برق منطقه‌ای آذربایجان

## خبرسازان

### فقط ۱۵۰ راننده خواهان تاکسی‌های برقی

رئیس کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای شهر تهران با بیان اینکه فقط ۱۵۰ نفر از رانندگان خواهان خرید تاکسی‌های برقی‌اند، گفته است که این به معنای آن است که رانندگان حاضر نشده‌اند خودرویی که تماماً قسط است را خریداری کنند. جعفر تشکری‌هاشمی در جریان بررسی گزارش حسابرسی سازمان تاکسیرانی برای سال ۱۴۰۲ و درباره برخی از مشکلات در سازمان تاکسیرانی گفت: «تقریباً یک سری از موارد هیچ ارتباطی به سازمان تاکسیرانی ندارد بلکه مستقیماً مرتبط با سیاست‌های شهرداری تهران است، برای مثال در زمان آقای بهرامی لایحه هیئت‌مدیره تدوین و ارسال شد، اما پس از آن این لایحه هیچ اصلاحی نداشته است.» او ادامه داد: «متاسفانه متوجه شده‌ایم که بخشی از بودجه سازمان تاکسیرانی برای ون‌ها، به سازمان اتوبوسرانی داده شده است.»

### قتل ۲۰ وکیل در ۱۰ سال

رئیس اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران خبر داده است که طی ۱۰ سال گذشته، حدود ۲۰ مورد قتل و بیش از ۶۰ مورد سوءقصد شدید علیه وکلای دادگستری گزارش شده است. به گزارش مهر، جعفر کوشا در این باره گفت: «برابر گزارش‌های گردآوری شده، طی ۱۰ سال گذشته، حدود ۲۰ مورد قتل و بیش از ۶۰ مورد سوءقصد شدید علیه وکلای دادگستری گزارش شده است. همچنین براساس نتایج یک تحقیقات دانشگاهی و بر پایه یک نظرسنجی صورت‌گرفته از میان بیش از ۱۴۱۳ وکیل دادگستری (۹۵۷ وکیل عضو کانون وکلا و ۴۵۶ وکیل عضو مرکز وکلا)، ۸/۴ درصد از وکلای دادگستری به سبب انجام وظایف وکالتی، طی یک سال گذشته مورد خشونت فیزیکی قرار گرفته‌اند. این میزان در هلند ۴ درصد، نروژ، ۴ درصد و در آمریکا ۶/۴ درصد است.» او ادامه داد: «۵۵ درصد وکلا نیز در این نظرسنجی اعلام کرده‌اند که طی یک سال گذشته به میزان یک تا سه مرتبه مورد تهدید واقع شده‌اند. این میزان در کشور نروژ ۱۸ درصد، هلند ۱۸ درصد و در آمریکا هم ۱۸/۵ درصد گزارش شده است.»

### فرهاد دانشجو استعفا کرد

«فرهاد دانشجو» رئیس دانشگاه تربیت مدرس طی نامه‌ای خطاب به «محمدعلی زلفی‌گل»، وزیر علوم از سمت خود استعفا کرد. در متن نامه استعفای دکتر فرهاد دانشجو خطاب به وزیر علوم، تحقیقات و فناوری آمده است: «با توجه به انتخابات پرشور و تاریخ‌ساز اخیر ریاست‌جمهوری و تغییرات طبیعی آتی حاصل از آن در مسئولیت‌های اجرایی کشور و نیاز به تعامل مؤثر بین رئیس‌جمهور محترم که رئیس هیئت امنای دانشگاه تربیت مدرس هستند و معاون اول رئیس‌جمهور و وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری و وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که همگی از اعضای حقوقی هیئت امنای دانشگاه تربیت مدرس نیز هستند و همچنین به دلایل شخصی و ضرورت اینکه اینجانب بتوانم به سلامت مادر مهربانم بیشتر رسیدگی کنم و به رسم احترام، استعفای خود را تقدیم می‌کنم.»